

## ادامه بحث از نجاست مسکرات

ادله دال بر نجاست مسکرات چهار چیز بود 1. اجماع فقها که گفته شد. 2. وحدت معنا یا الحاق موضوعی که مسکرات موضوعاً خمر باشد. 3. نصوص و روایات خاص که این سه تا دلیل را کامل کردیم و نتیجه گرفتیم.

دلیل عقل (استقراء)

4. دلیل عقل که استقراء است که يك دليل منطقي و عقلي است.

انواع استقراء (تام و ناقص)

در نظر دارید که استقراء دو قسم است استقراءي است که قطعاً حجیت دارد. و استقراءي که استحسان هست تأیید می تواند بکند. استقراءي که قطعاً حجیت دارد عبارت است از استقراء تام حجیتش قطعی و عقلي است. استقراءي که حجیت ندارد فقط موید و استقراء ناقص است.

عدم امکان تحقق استقراء تام

در عقلیات و مفاهیم عقلي معمولاً استقراء تام میسور نیست لذا خدشه دارد. و اما در مسائل تشریعی به معنای بستر دلالت الفاظ استقراء تام ممکن است. در مورد نجاست مسکر استقراء تام داریم مبني بر اینکه هر کجا حرمت مسکر اعلام شده است نجاست آن هم اعلام شده است

نظر سید مرتضی در تحقق ملازمه بین وجود مسکر و نجاست

و ملازمه بین حرمت مسکر و نجاست که سید مرتضی 1 هم اشاره می فرماید يك امر قطعی است . بنابراین استقراء اینجا تأیید می کند نجاست مسکرات را.

بیان فتوای مشهور بر نجاست مسکرات

با چهار تا دلیل که ارائه شد مطابق با فتوای مشهور و آنچه در متن آمده است تمامی مسکرات نجس اند در عین حالی که در حرمت شرب مسکرات اختلافی وجود ندارد و گفتیم از ضروریات است. پس از که ملازمه ثابت شد نجاستش هم اعلام می شود. فتوای مشهور و فتوای متن بر نجاست کل مسکرات است. حتی سید الاستاد<sup>1</sup> که آن همه اشکال در ادله داشتند در فتوا احتیاط لازم و واجب اعلام می کند اجتناب از مسکرات را.

سوال و جواب استقراء در حقیقت تتبع است خمر را دیدیم و نیبذ را دیدیم نقیع را دیدیم و هر چیزی که از مسکرات هستند از ذرت و از نیشکر هر مشروب و شراب مسکر که دیدیم، می بینیم اینها حرمت شرب دارند و محکوم به نجاستند.

سوال و جواب کسی که حرمت خمر را قبول داشته باشد تتبع کردیم که نجاستش را هم قبول دارند. اجماع تقدیری این بود که آنها که قائل به نجاست نیستند قائل به حرمت هم نیستند.

### حکم مسکرات مستحذنه

حکم مسکرات مستحذنه که کاربردی و عملی و لازم این مسئله را طوری که شهید صدر<sup>1</sup> می فرماید فقط سید الخویی<sup>1</sup> تعرض کرده است.

### حکم الکلی

در بحث مسکرات که مواد الکلی هم از آن است. اینها محکوم به نجاست هستند یا نه؟ محل ابتلا هست آن را می زنند به مواد، به عطریات، به سرمه و ادویه جات استفاده می شود. اولاً چیزی که در بدو نظر اعلام می شود این است که الکلی از مسکرات است. مایع هم هست مایع مسکر طبق نصوص و اجماعات نجس اند و شریش هم حرام این هم هم مسکر است و هم مایعی است. بنابراین نصوص اطلاق دارد کل مسکر حرام و کل مسکر خمر که در روایت عطاء بن یسار آمده بود. این از باب تنقیح مناط است یا از باب عموم علیت است؟ این هم برای ما اعلام می کند که الکلی که دارای اسکار هست نجس است.

### تنقیح مناط و فرق آن با تعمیم علیت و منصوص العله

فرق بین تنقیح مناط و عموم علیت یا منصوص العله یا تعمیم علیت چیست؟ یا به عبارتی دیگر فرق بین منصوص العله و تنقیح المناط چیست؟ ما از چه راهی می توانیم نجاست را برای الکلی اعلام کنیم؟ تنقیح مناط یا قانون تعمیم علیت اولاً فرق بین تنقیح مناط و تعمیم علیت این است که تنقیح مناط در حقیقت عبارت است از کشف اجتهادی قطعی. کار مجتهد است یک مجتهد باید کشف قطعی بکند مناط حکم را و از سوی شرع اعلام نمی شود. مثلاً برای شما گفته کتاب الله که «لا تقل لهما اف» شما با مطالعات و دقت ها و تناسب حکم و موضوع و بررسی به دست آوردید که مناط احترام والدین است. بنابراین هر کاری که خلاف احترام باشد براساس همان مناط منهی عنه است. و اما قانون تعمیم علیت که گاهی به آن می گوئیم منصوص العله این است که این کشف اجتهادی نیست هر چند فهم اجتهادی است. منتها تعمیم علیت بیان شرعی است. مثلاً لا تشرب الخمر لانه مسکر این تعمیم علیت را ما می توانیم هر کجا مسکر و اسکاری باشد تطبیق کنیم براساس عموم علیت. در حقیقت با دقت اگر بنگریم که می گفتند قیاس منصوص العله این تسامح است قیاس نیست عموم علیت است. علت که لانه مسکر باشد عمومیت دارد. عمومیت علت را به موارد تطبیق می کنید. در همین مسئله گاهی تعلیل یا قیدی که آمده است اگر لام تعلیل داشت یا ادات تعلیل داشت می شود تصریح یا قریب به تصریح لانه مسکر.

### فرق حیثیت تعلیلیه و تقییدیه

اما اگر ادات دال بر تعلیل نبود اینجا امر دائر می شود بین دو چیز می گوئیم این قید که آمده است که می گوید الخمر مسکر حرام نجس ببینید این مسکر حیثیتش حیثیت تعلیلیه است یا حیثیت، حیثیت تقییدیه است. فرق بین حیثیت تقییدیه و حیثیت تعلیلیه آن است که حیثیت تقییدیه که قید به موضوع وصل می خورد و موضوع را در دام خودش قرار می دهد که می گوید هر کجا موضوع حکم قرار می گیرد آن موضوع حتماً باشد به ضمیمه این قید، جزء الموضوع است، که در اصطلاح کوتاه حیثیت تقییدیه قید

موضوع را در دام خودش می‌گیرد. در همین مثال که المسکر المایع نجس این حیثیت تقییدیه است. مسکری که از مایع جدا بشود حکم دیگر بر آن نمی‌آید. مسکر بدون میعان دیگر حکم نجاست را ندارد موضوع را در دام خودش می‌گیرد. قید و مقید با هم می‌شوند موضوع برای نجاست این حیثیت تقییدیه. اما حیثیت تعلیلیه این است که ظاهرش یک قیدی است در کنار موضوع اما با تناسب حکم و موضوع و هنر اجتهاد و دقت فقهی کشف می‌شود که این قید حیثیتش تعلیلیه است. مثلاً الخمر مسکر حرام نجس در حقیقت این است که الخمر لاسکاره نجس. از تناسب حکم و موضوع می‌فهمیم. تناسب حکم و موضوع را که در نظر بگیریم درباره خمر فهم فقها و محققان بر اساس تناسب حکم و موضوع، به این نتیجه رسیده است که از مجموع نصوص که گاهی به ادات تعلیل هم اشاره شده است لاسکاره هم در نصوص پراکنده ممکن است ببینیم از مجموع استفاده شده است که مسکر که قید برای خمر است حیثیت تعلیلیه است. حیثیت تعلیلیه که بود ما بر اساس عموم تعلیل حکم می‌کنیم هر نوشیدنی که اسکار داشته باشد نجس است. چرا تنقیح مناط را کار نداریم؟ برای اینکه دلیل لفظی باشد دیگر نیاز به دلیل لبی نداریم. یکی از موارد دلیل لبی تنقیح مناط است.

سوال و جواب اگر حیثیت تعلیلیه شد علت که اسکار را آورد یعنی علت نجاست اسکار است. آن موضوع ملاک و مناط نیست علت حکم اسکار است و آن موضوع است و خمر متعلق است. اما علت نجاست فقط اسکار است.

فرمایش محقق اصفهانی که حیثیت تقییدیه و تعلیلیه فرقی ندارد

سوال و جواب مرحوم محقق اصفهانی 1 می‌فرمایند که حیثیت تقییدیه بر می‌گردد به حیثیت تعلیلیه نظر ایشان بود ما نظر مشهور را می‌گوییم.

سوال و جواب خصوصیات حکم آن اطلاق و تقییدیه اطلاق ندارد. بنابراین فعلاً بر اساس عموم علیت مسکر هست و نجس. این نظر بدوی بود. اما سید الاستاد 1 در کتاب تنقیح العروه جلد 3 از صفحه 90 تا 93 خلاصه مطالب ایشان با دسته بندی و آسان سازی این است که شما فقط یک روایت دارید که اعتبار دارد و دلالت می‌کند بر نجاست مسکر به عنوان مسکر جدا از خمر

روایت موثقه عمار ساباطی در دلالت نجاست مسکر

و آن روایت عبارت بود از موثقه عمار باب 38 از ابواب نجاسات حدیث شماره 7 که فرمود «لا تصل فی ثوب قد اصابه خمر او مسکر» می‌فرماید این روایت که دلالت دارد اما معارض است و با تعارض تساقط می‌کند. اشکالی که بر خود ایشان مطرح می‌شود تعرض می‌کند و جواب می‌دهد می‌فرماید که ما گفتیم که در تعارض بین طهارت و نجاست خمر روایاتی دال بر نجاست مقدم اند که دال بر طهارت محکوم بر تقیه است

روایت موثقه ابن بکیر بر عدم نجاست مسکر

اما اینجا این روایت معارض است با روایت شماره 11 همین باب موثقه عبد الله بن بکیر که سند معتبر است. می‌فرماید «سال رجل ابا عبدالله علیه السلام و انا عنده عن المسکر و النبيذ یصیب الثوب قال لا

باس «ابن بکیر می گوید که من در نزد امام صادق 111 بود فردی آمد از مسکر و نبیذ که به لباسش اصابت کرده بود که نماز بخواند آقا فرمود لا باس.

نتیجه تعارض دو روایت فوق و رجوع به طهارت مسکر مستحدث

این دلالت بر طهارت می کند در برابر موثقه عمار که دلالت بر نجاست می کرد تعارض می کنند . در آنجا که محمول به تقیه است فتوای ابناء عامه وجود داشت . محمول بر تقیه این است که یکی از متعارضین با فتوای موجود ابناء عامه تطبیق کند . اما اینجا ابناء عامه فتوا ندارند درباره الکل مسکر مستحدث ابناء عامه فتوا ندارند تا ما بگوییم مطابق یا مخالف بنابراین اینجا محمول بر تقیه نمی شود. حمل بر تقیه که نشد هر دو روایت از نظر سند درست دلالتشان هم کامل تعارض می کنند و اصل در تعارض که تساقط است مراجعه می کنیم به قاعده طهارت اگر قائل به استصحاب نباشیم که احتمال استصحاب هم وجود دارد به خاطر تعدد موضوع اگر استصحاب را اعلام نکنیم قاعده طهارت هست.

سوال و جواب فعلا محط بحث ما مسکر مستحدث است این مسکر مستحدث که هم از طرف اطلاق موثقه عمار زیر پوشش قرار می گیرد هم اطلاق موثقه ابن بکیر زیر پوشش قرار می دهد رو در روی هم قرار می گیرند اگر فتوا از ابناء عامه درباره مسکر مستحدث بود حمل بر تقیه می شود فتوا که ندارند حمل زمینه ندارد.

سوال و جواب در این موضوعات مانعیت به تناسب حکم و موضوع قطعاً مانعیتش به خاطر نجاستش هست. دلیل اول که از روایات استفاده کنیم ایشان اشکال کردند.

انصراف مسکر از الکلی که هم در طب و هم در شرب به کار می رود

مع التنزل اگر ما تنزل کردیم و گفتیم که این روایت دلالتش کامل است مسکر اطلاق دارد و سایر مسکرات حتی مسکرات مستحدثه را شامل می شود باز هم دلالت بر مطلوب کامل نیست برای اینکه این مسکرات که تمامی مسکرات هم اطلاق هم داشته باشد مسکراتی را شامل می شود که از شهرت و معرفت و شناخته شده باشد و در عرف هم از مشروبات به حساب بیاید. اگر مسکر الکلی باشد که دو تا کاربرد داشته باشد کاربرد طبی و کاربرد شرب که اهل فجور و فسق آن را مشروب درست کند . بنابراین سید 1 می فرماید که از مکتب میرزای نائینی 1 چنین بر می آید که اطلاقات مسکر از این گونه مسکرات منصرف است. و این انصراف هم انصراف درستی است شامل اینها نمی شود. مسکرات مشروباتی است که در همان عصر شناخته شده بود یا علی الاقل معد برای شرب باشد دو منظوره نباشد انصراف دارد. و انصراف هم بعید نیست. بنابراین دلیل مسکر شامل مسکر الکلی نمی شود. دلیل دوم که ایشان می فرماید بعد از این دیگر مطلب تمام

تقسیم الکل به صنعتی و تخمیری

و يك نکته انتهایی می فرماید که مربوط به تنقیح موضوع می شود و آن این است که ما در تنقیح موضوع می بینیم که مواد الکلی به طور کل به دو قسم است قسم اول عبارت است از الکل صنعتی قسم دوم عبارت است از الکل تخمیری

الکل صنعتی از بحث خارج است چون جزء سموم است

الکل صنعتی که معمولاً از چوب و نفت و زغال و مشابه آن ساخته می‌شود نقش دارویی دارد و نقش حلال که کاشف الکل هم دانشمند معروف تهرانی زکریای رازی هست. و این الکل‌های صنعتی در حقیقت معد برای شرب نیست جزء مشروبات نیست. از اول جزء مشروبات نیست پس اگر جزء مشروبات نباشد از اساس مسیرش جدا می‌شود نوشیدنی دیگر نیست بلکه از سمومات است. مرحوم شهید صدر<sup>1</sup> می‌فرماید که الکل صنعتی که از چوب گرفته می‌شود سم قاتل است لذا شنیده‌اید که بعضی از این الکل‌های صنعتی که می‌خورند بینایی را از بین می‌برند و فوراً آدم را کور می‌کند هر چند ممکن است در ضمن اسکاری را هم داشته باشد. این که از دایره بیرون است معد برای شرب نیست نصوص شامل اینها نمی‌شود قطعاً.

اما الکل تخمیری که در آن نشاسته و قند وجود دارد

و اما قسم دوم که از اطباء پرسیدم برای نوشیدن هم ساخته می‌شود جزء نوشیدنی‌ها هم هست نوشیدنی‌های صنعتی است. نوشیدنی‌های شراب اصلی همان انگور است اینهایی که از ذرت و نیشکر و مواد قندی که هر چیزی که نشاسته و قند دارد با تخمیر اما انگور با جوشاندن با مواد مخالفش در مسیر عملیات شیمیایی قرار می‌دهند با یک عملیات شیمیایی می‌شود الکل

حکم شبهه مصداقیه عام در ما نحن فیه

این قسم از الکل مورد شرب هم احیاناً هست اما قطعاً این مشروبات حداقل مورد شك و تردید است که آن مسکری که در لسان روایت است شامل این مشروبات هم می‌شود یا نمی‌شود، حداقل شك می‌کنیم شك که بکنیم می‌شود شبهه مصداقیه و بعد هم پس از که شبهه مصداقه تمسک به عام در شبهه مصداقیه که از اولویات است.

نتیجه بحث در مشتقات الکل

بنابراین با این ادله که گفته شد 1. نصوص متعارض است 2. انصراف 3. تحقیق موضوعی که اصلاً معد برای شرب نیست با این تحقیق به وضوح روشن می‌شود که ادله دال بر نجاست مسکرات شامل مسکرات الکلی نمی‌شود فرمایش ایشان بسیار متین و خیلی عالی و درست بعد می‌فرماید که طبق قاعده حکم طهارت است اما شهرت فتوایی و اجماع تقدیری ما را بر آن می‌داریم که مسکرات بر اساس احتیاط واجب از الکل تا همه مصادیق و مشتقاتش محکوم به نجاست است. مطلب دیگری که باقی ماند که سوال و جواب بگوییم که مشروب اگر علتش اسکار باشد همه جا کارساز باشد. اگر مشروب را در اندازه‌ای مصرف کند که تقویتی به بار بیاورد اسکار نباشد اینجا چه دلیل داریم.